



درس یازدهم: انسان موجود اخلاق گرا

** درس در یک نگاه **

مفاهیم	توضیحات
کارهای انسان	۱- فعل طبیعی ۲- فعل اخلاقی
فعل طبیعی	کارهایی که انسان آنها را برای رفع نیازهای خود انجام می دهد.
فعل اخلاقی	کارهایی هستند که مورد ستایش و تحسین یا خدمت و سرزنش واقع می شوند.
معیار فعل اخلاقی از نظر افلاطون	فعل اخلاقی با سعادت و نیک بختی حقیقی آدمی رابطه دارد فعل اخلاقی اگر در جهت سعادت حقیقی باشد، فضیلت محسوب می گردد و اگر برخلاف سعادت باشد و باعث شقاوت گردد، رذیلت و بدی شمرده می شود.
سه قوه اصلی فعال انسان از نظر افلاطون	« قوه شهوت » که انسان را به سوی لذایذ و امیال مختلف فرا می خواند؛ « قوه غضب » که انسان را در برابر خطرها و موانع دعوت به ایستادگی و عکس العمل می کند و « قوه عقل » که خوب را از بد تشخیص می دهد و سعادت واقعی را شناسایی می کند. در صورتی عمل انسان در جهت سعادت است که بنا به فرمان و راهنمایی عقل انجام پذیرد
نقش عقل در رابطه با سایر قوا	اگر عقل که از فضیلت حکمت برخوردار است، حاکم باشد، قوه شهوت «خوشتن داری» پیش می گیرد، و قوه غضب متصف به «شجاعت» می شود برآیند و نتیجه چنین سامانی، برقراری «عدالت» میان قوای عقل و شهوت و غضب و در سراسر شخصیت انسان است
انسان نیک بخت	انسانی که آراسته به چهار فضیلت «حکمت»، «خوشتن داری»، «شجاعت» «عدالت» است، نیک بخت است؛ این معیار میان همه انسان ها مشترک و ثابت است و با گذشت زمان تغییر نمی کند.
معیار فعل اخلاقی از نظر ارسطو	او نظری نزدیک به استاد خود (افلاطون) دارد؛ و معتقد است که اگر عقل بر قوای دیگر حاکم شود، انسان به اعتدال در میان قوا می رسد و همین اعتدال، عامل سعادت و نیک بختی انسان است.
سعادت از نظر ارسطو	اگر قوای وجودی در خط اعتدال باشد، انسان به سعادت می رسد.
معیار فعل اخلاقی از نظر کانت	وجدان اخلاقی است- او می گوید هر انسان در درون خود حقیقتی به نام وجدان اخلاقی دارد که او را به سوی عمل خیر اخلاقی دعوت می کند. هر کاری که انسان آن را صرفاً برای اطاعت از وجدان خود انجام دهد و هیچ گونه هدف و منفعت شخصی در آن نداشته باشد، خیر اخلاقی است
ریشه های فعل اخلاقی از نظر طبیعت گرایان	در رفتار طبیعی انسان است انسان، مانند سایر موجودات، هر کاری را برای منافع طبیعی خود انجام می دهد. بنابراین «خوب» و «بد» عناوینی هستند که خود ما به هر کار می دهیم، بسته به اینکه آن کار به سودمان باشد یا به ضررمان.
منبع شناخت فضائل و رذائل از نظر ابن سینا	عقل فضیلت هایی مانند عدل، احسان، خوشتن داری و شجاعت را کمالاتی می داند که باعث رشد و کمال روح می شود؛ درست مانند آب و غذا که جسم را رشد می دهند پس هر انسانی فضیلتها را دوست دارد و از رذائل اخلاقی گریزان است. رذائل به روح صدمه رسانده و آن را از کمال باز می دارند. بنابراین هر انسانی به دنبال کسب فضائل است؛ زیرا او با کسب آن احساس نشاط و لذت می کند و به رضایت درونی می رسد.
عقل عملی	ابن سینا و فلاسفه مسلمان عقل را، از آن جهت که رفتار خوب و بد انسان را تشخیص می دهد «عقل عملی» می نامند.

۱. برخی متفکران براساس درک خوب و بد اخلاقی، انسان را چگونه تعریف کرده اند؟ انسان موجودی است اخلاقی که خوبی و بدی را درک می کند و کارهایی براساس این درک انجام می دهد.
۲. منظور از فلسفه اخلاق چیست؟ انسان می تواند خوب و بد اخلاقی را درک کند. همین مسئله را می توان یکی از وجوه تمایز انسان از سایر موجودات دانست. فلسفه اخلاق که یکی از بخش های فلسفه است در این باره بحث می کند تا ریشه های این ویژگی انسانی بیشتر شناخته شود.
۳. کارهای انسان را به طور کلی به چند دسته می توان تقسیم کرد نام ببرید. دو دسته: ۱- فعل طبیعی ۲- فعل اخلاقی
۴. منظور از فعل طبیعی چیست؟ مثال بزنید. کارهایی که انسان آنها را برای رفع نیازهای خود انجام می دهد، از قبیل خرید مایحتاج روزانه، داشتن شغل برای کسب درآمد، استراحت، آشپزی، ورزش و تفریح. این قبیل کارها را «فعل طبیعی» می نامند.
۵. منظور از فعل اخلاقی چیست؟ مثال بزنید. کارهایی هستند که مورد ستایش و تحسین یا مورد سرزنش و تقیب قرار می گیرند؛ مانند: احسان و گذشت، ایثار و فداکاری و مبارزه با ظلم و نابرابری، این قبیل کارها را فعل اخلاقی می گویند.
۶. چه پرسش هایی در زمینه تفاوت بین فعل طبیعی و اخلاقی، برای فلاسفه مطرح شده است؟ چه ویژگی هایی باعث می شود که برخی افعال را «افعال طبیعی» بدانیم؟ در مورد دسته دوم چطور؟ چه ویژگی هایی این قبیل کارها را به «فعل اخلاقی» تبدیل کرده است؟ اساساً معیار فعل اخلاقی چیست

- و از کجا نشئت می گیرد؟ چرا قواعد اخلاقی مورد قبول عموم واقع می شوند؟ آیا هر کس می تواند مطابق سلیقه و دیدگاه خود قاعده اخلاقی وضع کند و از دیگران بخواهد آن را رعایت نمایند؟ آیا اصول اخلاقی بسته به تحول و تفاوت فرهنگ ها و جوامع، متغیر و متفاوت اند؟
۷. از نظر افلاطون معیار فعل اخلاقی چیست (چه زمانی یک فعل اخلاقی فضیلت یا رذیلت محسوب می شود)؟ از نظر افلاطون فعل اخلاقی با سعادت و نیک بختی حقیقی آدمی رابطه دارد. به اعتقاد او، فعل اخلاقی اگر در جهت سعادت حقیقی باشد، فضیلت محسوب می گردد و اگر برخلاف سعادت باشد و باعث شقاوت گردد، رذیلت و بدی شمرده می شود.
۸. افلاطون در پاسخ به این سوال که «در چه صورتی یک عمل در جهت سعادت است» چه می گوید؟ (به نظر افلاطون در وجود انسان چند قوه اصلی فعال است توضیح دهید) در وجود انسان سه قوه اصلی فعال هستند: «قوه شهوت» که انسان را به سوی لذایذ و امیال مختلف فرا می خواند؛ «قوه غضب» که انسان را در برابر خطرهای و موانع دعوت به ایستادگی و عکس العمل می کند و «قوه عقل» که خوب را از بد تشخیص می دهد و سعادت واقعی را شناسایی می کند. بنابراین در صورتی عمل انسان در جهت سعادت است که بنا به فرمان و راهنمایی عقل انجام پذیرد یعنی قوه غضب و قوه شهوت، تحت کنترل و حکومت عقل باشند و با راهنمایی عقل عمل کنند.
۹. به عقیده افلاطون اگر قوه غضب و قوه شهوت، تحت کنترل عقل باشند چه نتیجه ای در پی دارد؟ (نقش عقل در رابطه با سایر قوا چیست؟) اگر عقل که از فضیلت حکمت برخوردار است، حاکم باشد، قوه شهوت «خویشتر داری» پیش می گیرد و قوه غضب متصف به «شجاعت» می شود. برآیند و نتیجه چنین سامانی، برقراری «عدالت» میان قوای عقل و شهوت و غضب و در سراسر شخصیت انسان است.
۱۰. به عقیده افلاطون برقراری «عدالت» در سراسر شخصیت انسان برآیند و نتیجه چیست؟ (پاسخ شماره ۹)
۱۱. به نظر افلاطون انسان نیک بخت به چه فضائلی آراسته است؟ انسانی که آراسته به چهار فضیلت «حکمت»، «خویشتر داری»، «شجاعت» و «عدالت» است، نیک بخت است؛ این معیار میان همه انسان ها مشترک و ثابت است و با گذشت زمان تغییر نمی کند.
۱۲. به نظر افلاطون کدام معیار میان همه انسانها مشترک است؟ آیا ثابت است یا متغیر؟ (مطلق است یا نسبی؟) معیار نیک بختی، آراستگی به چهار فضیلت «حکمت»، «خویشتر داری»، «شجاعت» «عدالت» است این معیار میان همه انسان ها مشترک و ثابت است و با گذشت زمان تغییر نمی کند.
۱۳. نظراسطو در مورد معیار فعل اخلاقی چیست؟ (عامل سعادت و نیک بختی چیست؟) ارسطو، درباره معیار فعل اخلاقی نظری نزدیک به استاد خود (افلاطون) دارد؛ او معتقد است که اگر عقل بر قوای دیگر حاکم شود، انسان به اعتدال در قوا می رسد و همین اعتدال، عامل سعادت و نیک بختی انسان است.
۱۴. به نظر ارسطو عقل چگونه می تواند موجب مانع افراط و تفریط قوا شود؟ (شرط لازم برای این امر چیست؟) به اعتقاد او شهوت و غضب همواره در معرض افراط و تفریط هستند اما عقل می تواند مانع این افراط و تفریط شود. البته شرط لازم این است که خودعقل رشد کرده و به درجات مناسبی از معرفت دست یابد تا خودش دچار افراط و تفریط نشود.
۱۵. به نظر ارسطو، در چه صورتی انسان به سعادت می رسد؟ در صورتی که قوای وجودی در خط اعتدال باشد.
۱۶. آیا به نظر ارسطو همه انسانها اعتدال را به عنوان امری درست می پذیرند؟ ارسطو معتقد است عقل هر انسانی اعتدال را درک می کند و آن را به عنوان امری درست می پذیرد.
۱۷. حالت افراط، تفریط و اعتدال سه قوه عقل، غضب و شهوت را از نظر ارسطو بنویسید.

قوا	حالت افراط	حالت تفریط	حدوسط و اعتدال
عقل	جربزه	سفاهت	حکمت
قوه غضب	تهور	ترس	شجاعت
قوه شهوت	شره	خمودی	خویشتر داری

۱۸. کانت معتقد است معیار فعل اخلاقی را باید در چه چیزی جست و جو کرد؟ توضیح دهید. در «وجدان اخلاقی». او می گوید هر انسان در درون خود حقیقتی به نام وجدان اخلاقی دارد که او را به سوی عمل خیر اخلاقی دعوت می کند. هر کاری که انسان آن را صرفاً برای اطاعت از وجدان خود انجام دهد و هیچ گونه هدف و منفعت شخصی در آن نداشته باشد، خیر اخلاقی شمرده می شود.
۱۹. به اعتقاد کانت کدام کار عمل خیر اخلاقی (فضیلت) شمرده می شود؟ مثال بزنید. هر کاری که انسان آن را صرفاً برای اطاعت از وجدان خود انجام دهد و هیچ گونه هدف و منفعت شخصی در آن نداشته باشد، خیر اخلاقی شمرده می شود. مثلاً اگر انسان عدل را نه به خاطر تشویق و تمجید دیگران و نه حتی برای رسیدن به سعادت، بلکه فقط بدان جهت که وجدان بدان دعوت می کند، انجام دهد، فضیلت شمرده می شود.
۲۰. مقصود کانت از جمله «برطبق قاعده ای عمل کنید که بتوانید اراده کنید که قاعده مزبور قانون کلی و عمومی شود». چیست؟ مقصود این است که عمل هر انسانی باید به گونه ای باشد که اگر دیگران هم همان کار را در مورد وی انجام دادند، او آن کار را بپسندد و عاملان آن را تحسین کند.



۲۱. کدام جمله مشهور کانت، ارزش و اهمیت وجدان برای او را نشان می دهد؟ «دو چیز همواره مرا به شگفتی وای می دارد: یکی آسمانی که بالای سر ماست، دیگر وجدانی که در درون ما قرار دارد.»
۲۲. چه کسانی ریشه های فعل اخلاقی را در همان رفتار طبیعی انسان جست و جو می کنند؟ فیلسوفان طبیعت گرا و ماتریالیست و عموم کسانی که بُعد روحی و معنوی را باور ندارند.
۲۳. توضیح دهید فیلسوفان طبیعت گرا و ماتریالیست، ریشه های فعل اخلاقی را در کجا جست و جو می کنند؟ در همان رفتار طبیعی انسان. از نظر این فلاسفه، گروه انسان، مانند سایر موجودات، هر کاری را برای منافع طبیعی خود انجام می دهد. بنابراین «خوب» و «بد» عناوینی هستند که خود ما به هرکار می دهیم، بسته به اینکه آن کار به سودمان باشد یا به ضررمان. از آنجا که انسان زندگی اجتماعی دارد، ناگزیر است منفعت دیگران را نیز رعایت کند؛ زیرا، در غیر این صورت، منفعت خودش نیز حفظ نمی شود.
۲۴. به نظر فیلسوفان طبیعت گرا و ماتریالیست، چرا انسان ناگزیر است منفعت دیگران را رعایت کند؟ اولین قانون اخلاقی کدام است؟ زیرا، در غیر این صورت، منفعت خودش نیز حفظ نمی شود. اولین قانون اخلاقی این است «آنچه برای خود می پسندی، برای دیگران هم پسند در این صورت است که می توانی با دیگران زیست کنی.»
۲۵. به نظر توماس هابز، داشتن آزادی زیادی در برابر دیگران منوط به چیست؟ توماس هابز می گوید: هرگاه انسانی بخواهد در برابر دیگران آزادی زیادی داشته باشد، باید به دیگران هم حق بدهد که در برابر او به همان میزان آزاد باشند.
۲۶. بنابر دیدگاه فیلسوفان طبیعت گرا و ماتریالیست، انسان از چه زمانی قواعد اخلاقی را ابداع کرده است؟ مثال بزنید. از زمانی که دریافته نفع او در گرو نفع دیگران است. مثلاً گفته است: باید با دیگران راستگویی پیشه کرد؛ باید با دیگران به عدل رفتار نمود.
۲۷. آیا به نظر فیلسوفان طبیعت گرا و ماتریالیست، اموری مانند صداقت، عدالت و امانت داری، حقیقتاً فضیلت شمرده می شوند؟ خیر- اموری مانند صداقت، عدالت و امانت داری در واقع ارزش حقیقی ندارند و حقیقتاً فضیلت شمرده نمی شوند اما چون برای زندگی اجتماعی ضروری هستند و منفعت افراد در رعایت آنهاست، باید آنها را مراعات کرد.
۲۸. در بحث منبع شناخت فضائل و رذائل، دیدگاه ابن سینا، نزدیک به دیدگاه کدام فیلسوفان است افلاطون و ارسطو
۲۹. به اعتقاد ابن سینا و فلاسفه مسلمان، منبع شناخت فضائل و رذائل چیست؟ توضیح دهید. آنان عقل را منبع شناخت می دانند عقل، از آن جهت که رفتار خوب و بد انسان را تشخیص می دهد «عقل عملی» می نامند. عقل فضیلت هایی مانند عدل، احسان، خویشی داری و شجاعت را کمالاتی می داند که باعث رشد و کمال روح می شود؛ درست مانند آب و غذا که جسم را رشد می دهند پس هراسانی فضیلتها را دوست دارد و از رذائل اخلاقی گریزان است. رذائل اخلاقی به روح صدمه رسانده و آن را از کمال بازمی دارند. بنابراین هراسانی به دنبال کسب فضائل است؛ و با کسب آن احساس نشاط و لذت می کند و به رضایت درونی می رسد.
۳۰. ابن سینا و فلاسفه مسلمان از چه جهت عقل را «عقل عملی» می نامند؟ از آن جهت که رفتار خوب و بد انسان را تشخیص می دهد.
۳۱. به نظر ابن سینا و فلاسفه مسلمان، چرا هراسانی فضائل را دوست دارد و از رذائل گریزان است؟ عقل فضیلت هایی مانند عدل، احسان، خویشی داری و شجاعت را کمالاتی می داند که باعث رشد و کمال روح می شود؛ درست مانند آب و غذا که جسم را رشد می دهند پس هراسانی فضیلتها را دوست دارد و از رذائل اخلاقی گریزان است. رذائل به روح صدمه رسانده و آن را از کمال باز می دارند. انسان با کسب آن احساس نشاط و لذت می کند و به رضایت درونی می رسد.
۳۲. توضیح دهید به عقیده فلاسفه مسلمان انسان دارای چند دسته تمایلات است؟ دو دسته: ۱- تمایلات مربوط به بُعد مادی و حیوانی، مانند تمایل به ثروت و لذت های مادی. ۲- تمایلات مربوط به بُعد روحی و معنوی، مانند تمایل به عدالت و سخاوت که تمایلاتی برتر هستند و فضیلت شمرده می شوند.
۳۳. به نظر فلاسفه مسلمان علت انجام رذایل اخلاقی چیست؟ علت انجام رذایل اخلاقی این است که گاه میان فضیلت ها و منافع و تمایلات مادی و حیوانی انسان تلاقی پیدا می شود؛ در چنین شرایطی اگر تمایلات حیوانی و مادی قوی باشند انسان را به سوی خود می کشانند و مانع رسیدن او به فضیلتها می شوند و حتی او را به سوی رذیلت ها سوق می دهند.
۳۴. چرا به عقیده فلاسفه مسلمان، شناخت و علاقه مندی به فضائل و رذائل، به تنهایی نمی تواند باعث ترک رذیلت و کسب فضیلت شود؟ از نظر آنان، علاوه بر تمایل ذاتی، پشتوانه ای دیگر هم لازم است تا هنگام تضاد میان تمایلات حیوانی و فضائل اخلاقی انسان بتواند فضائل را بر تمایلات ترجیح دهد. این پشتوانه به اعتقاد فلاسفه مسلمان خداست؛ اگر خداوند نیز ما را به کسب فضائل ترغیب و از رذایل منع نماید و برای آنها پاداش و مجازات معین فرماید، میل به فضائل در انسان تقویت می شود.
۳۵. چرا به نظر فلاسفه مسلمان، حتی ترغیب خداوند به کسب فضائل هم بطور قطعی موجب عمل به آن نمی شود؟ اعتقاد به خداوند، گرچه عامل تقویت کننده است، اما به این معنا نیست که عمل به فضیلت قطعی و حتمی می شود، زیرا در هر صورت، انسان موجودی مختار و با تمایلات قوی و شدید است و ممکن است برای رسیدن به آن تمایلات، از فرمان خدا هم سرپیچی نماید.



سوالات جای خالی

۱. انسان با مفهوم آشناست و می تواند خوب و بد را درک کند.
۲. مسئله اخلاق را می توان یکی از وجوه انسان از سایر موجودات دانست.
۳. کار های انسان را به طور کلی می توان به دو دسته و تقسیم کرد.
۴. ورزش و احسان به ترتیب فعل و فعل محسوب می شود.
۵. فعل همان کارهایی هستند که موردستایش و تحسین یا مورد سرزنش و تقیح قرار می گیرند.
۶. به نظر افلاطون اگر فعل برخلاف سعادت باشد و باعث گردد، رذیلت شمرده می شود.
۷. از نظر افلاطون فعل اخلاقی با و حقیقی آدمی رابطه دارد.
۸. افلاطون می گوید انسانی که آراسته به چهار فضیلت « »، « »، «شجاعت» «عدالت» باشد نیک بخت است.
۹. به نظر افلاطون « قوه » خوب را از بد تشخیص می دهد و واقعی را شناسایی می کند.
۱۰. به اعتقاد افلاطون، فعل اخلاقی اگر در جهت سعادت حقیقی باشد، محسوب می گردد.
۱۱. به نظر افلاطون عمل انسان در صورتی در جهت سعادت است که بنا به فرمان و راهنمایی انجام پذیرد.
۱۲. از نظر افلاطون قوه ای که انسان را در برابر ؛ خطر ها و موانع دعوت به ایستادگی و عکس العمل می کند، قوه است.
۱۳. به اعتقاد افلاطون اگر عقل حاکم باشد قوه متصف به «شجاعت» می شود.
۱۴. نتیجه حاکمیت عقل برقراری میان قوا و سراسر شخصیت انسان است.
۱۵. افلاطون معتقد است که در وجود انسان سه قوه اصلی به نام های قوه و و فعال هستند.
۱۶. ارسطو حالت افراط قوه شهوت را و حالت تفریط آن می نامد.
۱۷. ارسطو حالت قوه عقل را جریزه و حالت آن را سفاهت می نامد.
۱۸. ارسطو حالت افراط قوه غضب را و حالت تفریط آن می نامد.
۱۹. ارسطو، شاگرد، درباره معیار فعل اخلاقی نظری نزدیک به دارد.
۲۰. کانت می گوید هر انسان در درون خود حقیقتی به نام دارد که او را به سوی عمل دعوت می کند.
۲۱. کانت، فیلسوف قرن هجدهم، عقیده دارد که معیار فعل اخلاقی را باید در « » جست وجو کرد.
۲۲. کانت می گوید هر کاری که انسان آن را صرفا برای اطاعت از انجام دهد و هیچ گونه هدف و منفعت شخصی در آن نداشته باشد، شمرده می شود.
۲۳. کانت می گوید: « برطبق قاعده ای عمل کنید که بتوانید اراده کنید که قاعده مزبور و شود.»
۲۴. کانت می گوید: « دو چیز مرا به شگفتی وا می دارد: یکی آسمانی که بالای سر ماست، دیگر ... که در درون ما قرار دارد.»
۲۵. فیلسوفان طبیعت گرا و عموم کسانی که بُعد روحی و معنوی را باور ندارند، ریشه های فعل اخلاقی را در همان انسان جستجو می کنند.
۲۶. بنابر دیدگاه فیلسوفان طبیعت گرا، انسان از زمانی که دریافت نفع او در گرو نفع دیگران است، قواعد را ابداع کرده است.
۲۷. ابن سینا و دیگر فلاسفه مسلمان، دیدگاهی نزدیک به و دارند.
۲۸. فلاسفه مسلمان عقل را، از آن جهت که رفتار خوب و بد انسان را تشخیص می دهد « » می نامند.
۲۹. ابن سینا و دیگر فلاسفه مسلمان، را منبع شناخت فضیلت ها و رذیلت ها می دانند.
۳۰. از نظر فلاسفه مسلمان عقل فضیلت هایی مانند عدل، احسان، خویشتن داری و شجاعت را می داند که باعث رشد روح می شود.
۳۱. به عقیده فلاسفه مسلمان تمایلات انسان دودسته اند: ۱- تمایلات مربوط به بُعد و حیوانی ۲- تمایلات مربوط به بُعد و معنوی.
۳۲. به عقیده فلاسفه مسلمان تمایل به ثروت مربوط به بعد و است.
۳۳. به عقیده فلاسفه مسلمان تمایل به عدالت و سخاوت که تمایلاتی هستند شمرده می شوند.
۳۴. از نظر فلاسفه مسلمان هنگام تضاد میان تمایلات حیوانی و فضائل اخلاقی اگر تمایلات حیوانی قوی باشند مانع رسیدن انسان به می شوند و حتی او را به سوی سوق می دهند.
۳۵. از نظر فلاسفه مسلمان اگر خداوند ما را به کسب فضائل ترغیب و از رذایل منع نماید و برای آنها پاداش و مجازات معین فرماید، میل به در انسان تقویت میشود.



mydars

اپلیکیشن آموزشی مای درس